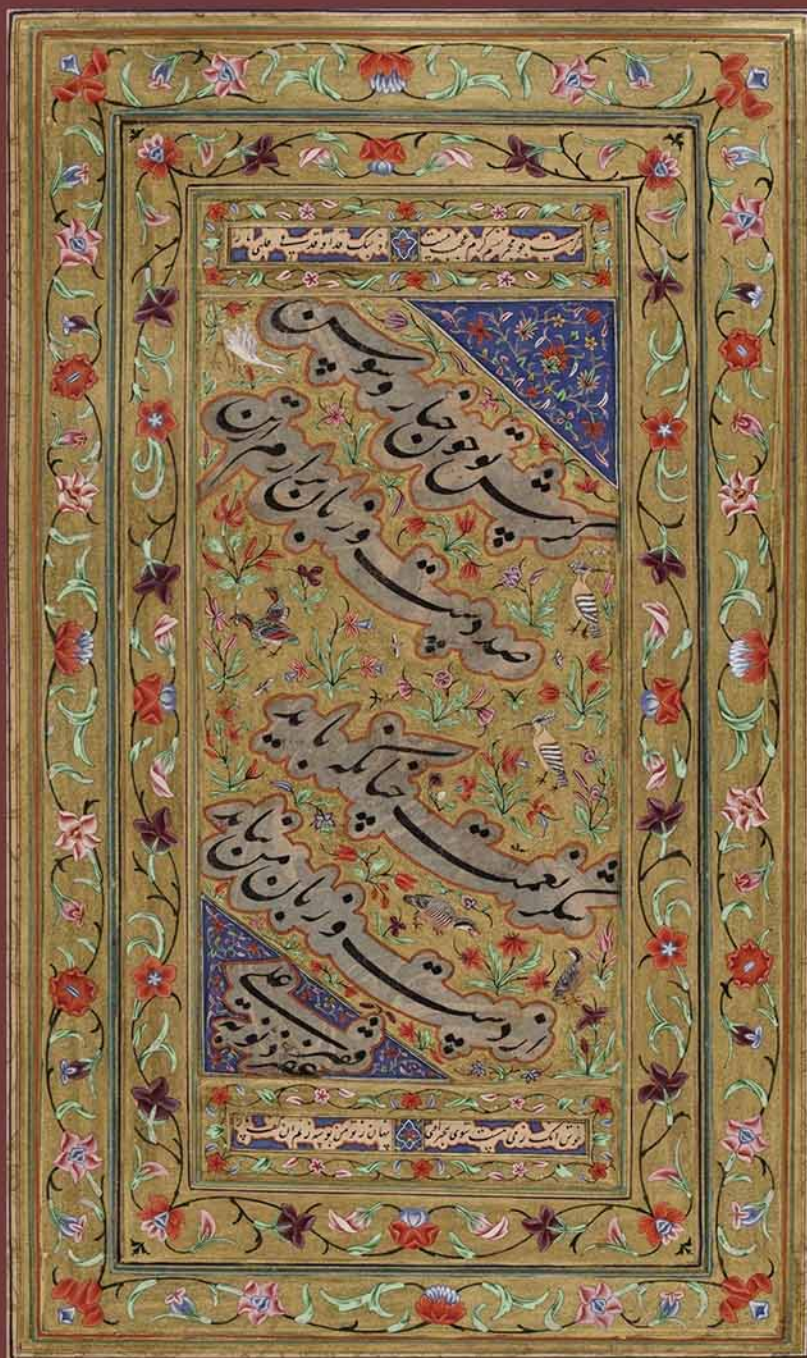


فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۸ [انتشار: زمستان ۱۳۹۹]

سرسختن: دیپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب • نظام تعریف/علی اشرف صادقی • معرفی سه منبع کهن رباعیات خیام / سید علی میرافضلی • سیدمهره و شکبه / علی صفی آققله • چند نکته و لغت از «مواهب الہی» معین الدین یزدی / احمد پنهانی • توضیحاتی درباره چند تن از مملو حان موزجوری دامغانی / راضیه آبدیان • تصحیح پیتی از طلیان مرغزی / محسن احمدوندی • خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلہم باخرا، ترجمہ: سہاس ریوندی • نگاہی بہ «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجالدین کیوانی • نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجالدین کیوانی • توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن بہ پارسی» / مسعود قاسمی / مسعود قاسمی • رباعیات ختام بہروایت شیخ محمود بیروذاتی / سید علی میرافضلی • «تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرشتی بایدہا و ناپیدہای پژوهش / علی شاپوران • حکایتی ساختگی از قرآنہای خطی افغانستان: نقادی بر کتاب «حکایت قرآنہای ناپیدای افغانستان» و مقالہ «آغازی بر فہرست نگاری مخطوطات افغانستان» / مصوبہ نظری • نگاہی بہ تصحیح «خلاصۃ الاشعار و زیۃ الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)» / مرتضی موسوی • معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدر زادہ سردرود • نقد و بررسی ترجمہ «شکوئتلا» / سید احمد رضا قائم مقامی • دورنمایی از کتاب «قرآن موزخان» / زینب سادات ایلچی • نگاہی منتقدانہ بہ مقالہ «سنگ نبشتہای نویافتہ در آرامگاہ داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» / سہیل دلشاد • ریشہ شناس چہ می کند (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم مقامی • آثار نعیمہ مصطفی افندی / نصراللہ صالحی



فهرست

سرخن

دپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب ۵-۳

جستار

نظام تعریف / علی‌اشرف صادقی ۷-۶
معرفی سه منبع کهن رباعیات ختیم / سید علی میرافضلی ۱۳-۸
سپیدمهره و شنکجه / علی صفری آق‌قلعه ۱۷-۱۴
چند نکته و لغت از «مواهب الهی» معین‌الدین یزدی / احمد بهنامی ۲۱-۱۸
توضیحاتی درباره چند تن از ممدوحان منوچهری دامغانی / راضیه آبادیان ۲۷-۲۲
تصحیح بیت‌ی از طیتان مرغزی / محسن احمدوندی ۳۰-۲۸
خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلهلم باخر: ترجمه: سپاس ریوندی ۳۳-۳۱

نقد و بررسی

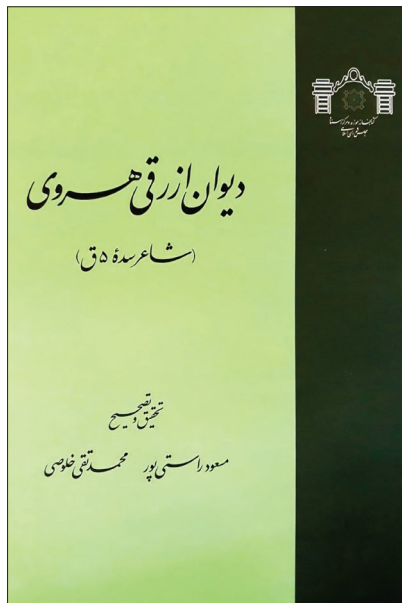
نگاهی به «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجتالدین کیوانی ۴۹-۳۴
نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجتالدین کیوانی ۵۴-۵۰
توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن به پارسی» / مسعود قاسمی ۶۴-۵۵
نکاتی درباره «تفسیر قرآن پاک» / مسعود قاسمی ۷۱-۶۵
رباعیات ختیم به روایت شیخ محمود پیربوداقی / سید علی میرافضلی ۷۵-۷۲
«تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرمشق بایدها و نبایدهای پژوهش / علی‌شاپوران ۱۰۴-۷۶
حکایتی ساختگی از قرآن‌های خطی افغانستان: نقدی بر کتاب «حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان»
و مقاله «آغازی بر فهرست‌نگاری مخطوطات افغانستان» / معصومه نظری ۱۰۸-۱۰۵
نگاهی به تصحیح «خلاصة الاشعار و زیدة الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)» /
مرتضی موسوی ۱۲۵-۱۰۹
معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدرزاده سردرود ۱۳۶-۱۲۶
نقد و بررسی ترجمه «شکونتلا» / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۴۱-۱۳۷
دورنمایی از کتاب «قرآن مورخان» / زینب سادات ابیطحی ۱۴۶-۱۴۲
نگاهی منتقدانه به مقاله «سنگ‌نبشته‌ای نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» /
سهیل دلشاد ۱۵۹-۱۴۷

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۶-۱۰) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۶۶-۱۶۰

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۱)

آثار نعیم مصطفی افندی / نصرالله صالحی ۱۷۰-۱۶۷



نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی»

مجدالدین کیوانی

لااقل عمدتاً تحقیقی است «متن‌پژوهانه» و نه ویرایشی به‌معنای متعارف و مصطلح آن، و بنابراین در درجهٔ اوّل به کار کسانی می‌آید که در پی دستیابی به نزدیک‌ترین روایت به اصل کلام شاعر هستند. بنابراین، چنانچه مصححان در عرضهٔ چنین روایتی توفیق یافته‌باشند، خواستهٔ کسانی را برآورده‌اند که به‌درستی معتقدند تا ناقدان ادبی حتی‌الامکان به آنچه مورد تأیید خود شاعر بوده نرسند، هرگونه داوری و نقدی دربارهٔ سبک و سیاق سروده‌های او، حدسی، قیاسی و بالنسبه نامعتبر خواهد بود.

در تصحیح‌هایی که از دواوین دیگر شعرا می‌شود، عموماً الگویی کمابیش واحد و تا حدی قالبی دنبال می‌شود: نخست مقدمه‌ای می‌خوانیم در اندازه‌ای یا به‌قاعده و متناسب یا پر از حشو و زوائد غیرضرور؛ نقل دیدگاه‌های رنگارنگ این و آن و گنجاندن هدفمند یا غیرهدفمند انبوهی از ابیات و اقوال گذشتگان به‌عنوان شاهد؛ معمولاً شرح احوالی در حدّ لزوم، یا تا از دست مصحح برآید طولانی، دربارهٔ شاعر؛ سپس احتمالاً چند نسخه‌ای که در تصحیح به آنها مراجعه شده معرفی می‌شود؛ آنگاه اوضاع سیاسی-اجتماعی و محیط ادبی عصر شاعر مفصلاً بررسی می‌شود؛ اگر شاعر، جز هنر شاعری، دارای کمالات علمی و هنرهای دیگری

دیوان ازرقی هروی (شاعر سدهٔ ۵ ق). تحقیق و تصحیح مسعود راستی‌پور، محمدتقی خلوصی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸ ش.

تصحیح راستی‌پور و خلوصی از دیوان ازرقی برای سومین بار سروده‌های این شاعر نه‌چندان به‌نام دوران کلاسیک ادبیات فارسی را در اختیار اهل شعرو ادب و متن‌پژوهان می‌گذارد. دو ویرایش قبلی، یکی به‌کوشش علی عبدالرسولی فیروزکوهی (د. ۱۳۲۲ ش) و دیگری به‌اهتمام سعید نفیسی (د. ۱۳۴۵ ش) هر دو در ۱۳۳۶ ش منتشر شد. کار عبدالرسولی گویا در ۱۳۰۱ ش به انجام رسیده‌بود، اما سال‌ها پس از درگذشت او، به‌همت (و با مقدمه‌ای از) پسر او، مرتضی عبدالرسولی، انتشار یافت. بدیهی است که پس از گذشت بیش از ۶۰ سال، هم نارسایی‌ها و نواقص متن‌شناسی این دو چاپ رفته رفته آشکار شد و هم دسترسی به نسخ و منابع بیشتر از سروده‌های ازرقی و بهره‌گیری از شیوه‌ها و اصول نسخه‌شناسی و تصحیح متون میسر گردید. بنا بر این ملاحظات بوده که آقایان راستی‌پور و خلوصی به کار پردازشی جدید از این دیوان پردردسر و گشودن گره‌های ناگشودهٔ آن کمر همت بسته‌اند. این ویرایش آشکارا نشان می‌دهد که، اگر نه کاملاً،

آغاز مقدمه خود به آن تصریح می‌کردند تا خواننده پیشاپیش بداند که به کجا می‌رود. با همه این احوال، اگر هم مصححان گنجاندن هشت صفحه اطلاعات درباره سابقه کتابت ب/پ (بدید/پدید؛ بدیدار/پدیدار؛ بگاه/پگاه؛ بدرام/پدرام؛ بنهان/پنهان) را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند، دو-سه اشاره کوتاه کفایت می‌کرد. به گمان نگارنده، اختصاص سه‌چهارم یک صفحه به اینکه «در دستنویس‌ها همزه‌های "لولو" چگونه گذاشته می‌شده‌است» اجزاء مقدمه را از تناسب خارج کرده‌است.

شاید دومین دغدغه مهم مصححان، که در واقع با دغدغه آنها نسبت به رسم الخط سخت ارتباط دارد، جهات دستوری دیوان بوده‌است. بخش «ب» (ص ۳۹۵) از راهنمای تعلیقات دیوان شامل یک صفحه کامل فهرست نکات دستوری است که در آن بحث شده‌است. این نیز می‌تواند حاکی از تأکید مصححان بر متن‌پژوهی و جنبه‌های نسخه‌شناختی اشعار ازرقی باشد.

چنانکه قبلاً اشاره شد، اگر نه تنها، یقیناً مهم‌ترین نیت مصححان سخت‌کوش به دست دادن نسخه‌ای منقح و اقرب به نسخه دستنویس مفروض شاعر (یا احتمالاً مورد تأیید او) بوده‌است، و الاً مسلماً آنچه را که مرسوم مقدمه‌هاست، در پیشگفتار خود می‌گنجانند. یک قرینه آشکار بر اینکه مطلوب آنها صرفاً زدودن ابهامات نسخه‌شناختی و عرضه اصیل‌ترین روایت از اشعار ازرقی بوده‌است، آن است که خواننده را برای کسب اطلاع از سرگذشت شاعر به مقاله «ازرقی هروی» در جلد هشتم دائرة المعارف بزرگ اسلامی ارجاع داده‌اند. مع ذلک، به‌رغم صحت فرض نگارنده، باز نیاز بود که مصححان به این قصد خود تصریح می‌کردند و از آغاز می‌گفتند که چرا از بیان ترجمه احوال ازرقی به حد لازم، شرایط اجتماعی-سیاسی روزگار او، امتیازات علمی و ذوقیات هنری (اگر داشته)، ممدوحان، درونمایه‌های شعری، تنوع اوزان و قوافی، مختصات شاعری، و قالب‌های شعری او تن زده‌اند. چرا مثلاً نظری نداده‌اند که به چه سبب ازرقی، که نوشته‌اند ملک الشعراء دربارها بوده، این اندازه خامل ذکر مانده‌است؟ چرا این مقدار اختلاف در ثبت و ضبط

بوده‌است، مصحح به آنها اشاره می‌کند، و چنانچه صاحب دیوان شاعری مدّاح بوده‌باشد، ممدوحان و مخدومان او را از خرد و کلان معرفی می‌کند و تا بتواند از تاریخ زندگی و اعمال خوب و بد آنها گزارش می‌دهد؛ مصحح اغلب شمه‌ای نیز از شیوه شعر، نقاط قوت و ضعف آن می‌گوید و گاه شاعر را با معاصران، پیشینیان و پیروان او در ترازوی مقایسه می‌گذارد؛ در پایان، و پیش از ارائه نمایه‌های اثر، ممکن است تعلیقاتی به آن بیفزاید یا چنین کاری را بایسته نبیند. درج تمامی اینگونه آگاهی‌ها در حد اعتدال و با رعایت حد تناسب مطلوب، بل ضرور است.

در تصحیح مورد بررسی ما، از اینها همه تقریباً هیچ خبری نیست، جز دو مورد که در کانون توجه مصححان بوده‌است: اول اختلاف ضبط‌ها و رسم الخط‌ها در نسخ باقی‌مانده از دیوان ازرقی و جنگ‌های مورد مراجعه آنان، و دوم تعلیقات. شدت دغدغه مصححان بابت ضبط و اشکال صوری واژه‌ها در دیوان ازرقی حتی در تعلیقات نیز مشهود است، زیرا احتمالاً به نظر آنان، در نوشتن تعلیقات و حواشی بر معانی و تعبیرات یک شاعر، شکل نوشتاری مطلوب خود شاعر مهم‌ترین راهنماست. نخست باید مطمئن بود که صاحب سخن در اصل دقیقاً چه گفته و چگونه نوشته، و سپس درباب منظور و مراد او ابراز نظر کرد، و قدر مقدور از تصحیحات قیاسی بی‌نیاز شد. دل‌مشغولی مصححان نسبت به شیوه کتابت و ضبط در دیوان ازرقی بدان حد بوده که پنداری فراموش کرده‌اند که پیشگفتار جای آن همه توضیحات دستوری و رسم الخطی که آنان به دست داده‌اند نیست. حق بود این توضیحات سودمند، در بخشی مستقل پس از مقدمه یا، مرجحاً، کنار تعلیقات بیان می‌شد.

به‌هنگام مطالعه مقدمه، خواننده طبعاً در انتظار اطلاعاتی غیر از اطلاعات عمدتاً صرفی و نحوی و کتابتی است. در نگاه اول، می‌نماید که مقدمه دو اشکال دارد: یکی قلت اطلاعات درباره زندگی ازرقی و شعر او، و دیگری فریهی توضیحات راجع به نسخه‌ها و جنگ‌های مورد استفاده. چنانچه این شیوه کار عالماً عامداً اختیار شده (که به احتمال قوی چنین بوده‌است) جا داشت که مصححان در

ملاحظات پایانی

- دیوان ازرقی دو مصحح دارد، اما ضمائر اول و سوم شخص مفرد در پیشگفتار و تعلیقات نشان نمی‌دهد سهم مسئولیت مصحح دیگر چیست.
- صورت حرف‌نویسی شده «هروی» به لاتین، روی جلد کتاب Haravi است. ایرادی جزئی است، ولی محض یادآوری می‌گوییم که در کتب و مقالات انگلیسی عموماً Heravi دیده می‌شود. گویا در میان بومیان هرات و احتمالاً جاهای دیگر افغانستان و شرق ایران نیز نام این شهر با کسر «هاء» تلفظ می‌شود. علی‌القاعده، «هروی» باید صفت نسبی «هری» (نام دیگر هرات) باشد.
- نسخه دیوان ازرقی که یکی از مجموعه ۱۲ دیوان در کتابخانه حکیم اوغلو است، با علامت اختصاری «حک»، «اساس نسبی تصحیح» مصححان قرار گرفته است. نگارنده معنای این جمله مصححان در وصف نسخه «حک» را متوجه نمی‌شود که «به لحاظ داشتن ابیات الحاقی نامعتبرترین دستنویس در میان دستنویس‌های مورد استفاده ماست، با این وجود از اشعار الحاقی خالی است» (ص پانزده). تأکید از نگارنده است). رابطه دو بخش اول و آخر این جمله با هم روشن نیست.
- در تعلیقات، قولی نقل شده که مبهم به نظر می‌رسد:
از ۵۶ رباعی دستنویس حکیم اوغلو پاشا، فقط یک رباعی آن سه‌قافیه‌ای است...، اما در ۲۲ رباعی باقی‌مانده، ۵ فقره آن سه‌قافیه‌ای است.
رقم ۲۲ از کسر چه عددی به دست آمده است؟
- درباره اینکه چرا یک قصیده (که در آن از «حسین [بن] علی» و شهریانو به‌عنوان مشبّه استفاده شده است) و دو رباعی ذیل «ملحقات» درج شده هیچ توضیحی داده نشده است. در ملحقات نیز اشاره‌ای به این قصیده

بسیاری از ابیات او پیدا شده است؟ چرا شعر ازرقی ناشناخته مانده و تقریباً نه جایی از او سخن می‌رود و نه شعری از او نقل می‌شود؟ پیچیدگی سروده‌های او دخیل بوده یا فقدان هیجان، «نمک ذوق» یا شهد کلام؟ چرا این شاعر خود را به مدّاحی امیران و سلاطینی که شهرتی هم در تاریخ نداشته‌اند محدود کرده و حتی در معدود مقطّعات و رباعی‌هایی هم که ساخته، از دعا و ثنای آنها دست برنداشته است؟ آیا ازرقی حرف‌های دیگری جز ستایش‌های اغراق‌آمیز برای زدن داشته است؟ آیا نرفتن او به سراغ غزل‌سرایی و نیز کم‌علاقگی او به تشبیب و نسب در قصاید، نشانه بیگانگی او با عوالم عشقی و شوریده‌حالی، و تا حدی علت عدم اقبال فارسی‌زبانان به شعر او، نبوده است؟ دو-سه صنعت بدیعی، خصوصاً در بخش دعای ممدوح، در قصاید ازرقی بسیار پررنگ می‌نماید: یکی از آنها تعیین طول مدتی است که شاعر می‌خواهد مخدومش از فلان نعمت یا امتیاز برخوردار باشد، یا از گزند و خطری مصون بماند. نمونه زیر شامل چنین شگردی است که در بسیاری از مدیحه‌های وی به‌شکلی تکرار می‌شود:

همیشه تا نبود صد فزون‌تر از سبید
همیشه تا نبود پنج برتر از پنجاه

به دست و طبع تو نازنده باد جام و شراب
به فرق و نام تو پاینده باد افسر و گاه
(ص ۲۱۴؛ نیز نک. ص ۲۳۳، ۲۲۹، ۱۸۵، ۱۵۴، ۱۲۰)

این قبیل شگردهای مکرر کدامند؟ شیوه ازرقی در استفاده از امکانات لفظی و معنوی فن شعر، دستور و واژگان فارسی چگونه بوده است؟ اشعار این سراینده قرن پنجمی از نظر تاریخ تطور ساختاری-واژگانی فارسی، چه ارزش‌های زبان‌شناختی دارد؟ آثار کهنگی و ویژگی‌های سده‌های آغازین زبان و ادب فارسی در اشعار ازرقی به چه مقدار است؟ مثلاً، جمع بستن کلمات جمع، همچون «معانی‌ها» و «قصص‌ها» (ص ۱۷۳، ۲۲۸)، یا «کجا» به معنای «که» (ص ۱۱۴، بیت ۹۴۶؛ ص ۱۸۴، بیت ۱۵۲۶). ازرقی اهل هرات بوده است، آیا در افغانستان نیز همان اندازه گمنام مانده است که در ایران؟

بوده یا دلایل دیگری ملاک بوده‌است؟

- الحاق فهرستی از «جای‌ها» به پایان دیوان ازرقی بسیار به‌جاست، اما پاره‌ای از آنها به احتمال بسیار، برای امروزیان نا آشناست؛ مانند آسکون، ارغان، بردر، توز، پوشنگ، ثهلان، خطا، خلخ، زنگ، سقلاطون، غاتفر، فراء و یغما. افزودن عبارتی کوتاه در معرفی بیشتر این قبیل جاها کمکی به خواننده خواهد بود.

- چنانچه «قلزم» و «ثهلان» که در فهرست «جای‌ها» (ص ۳۷۰) آمده‌است به دو مکان اطلاق شود، معنای این بیت ازرقی (بیت ۱۰۰۰):

تا چو قلزم نتوان ساختن از یک قطره

تا چو ثهلان نتوان ساختن از یک مثقال

چیست؟ واژه «قلزم» در مصراع اول چه به معنای مطلق دریا و اقیانوس گرفته‌شود چه به معنای بحر احمر یا دریایی دیگر در خاور میانه، معنای آن مصرع روشن خواهد بود. اما «ثهلان» چگونه جایی یا چگونه چیزی است که نمی‌توان آن را با چیزی به وزن یک «مثقال» ساخت؟ این دو کلمه در بیت ۱۲۶۲ با کاربرد بسیار مشابهی نیز همین اشکال را دارد:

همبر جودش یک قطره نیاید قلزم

همبر حلمش یک ذره نسنجد ثهلان

چنانکه «ثهلان» (یا شهلان یا سهلان) نام کوهی باشد (که نگارنده از محل آن بی‌خبر است) مصرع‌های دوم هر دو بیت یادشده معنی پیدا می‌کند.

- خطاهای مطبعی و مخصوصاً کاست و افزودهای سهوی در چاپ اجزاء هر بیت، تقریباً به حد صفر است و این دقت و حوصله مصححان را می‌رساند. در بیت ۱۲۸۴، «بیفکند ستان» گویا باید «بیفکند سنان» باشد. در بخش تعلیقات، ذیل بیت ۳۴، حضور سه خطای مطبعی توضیحات درباره بیت را مبهم کرده‌است. «در برابر» و «او رو» (دو بار) باید به ترتیب به صورت «در برابر» و «او را» اصلاح شود. در بیت

نونیه و اینکه ممدوح آن (میر اجل سید فرزانه، سعد ملک/ عین سخا، شجاع زمن، بوعلی حسن؛ ص ۲۸۸) چه کسی بوده، نشده‌است.

- دریغا که خط تعلیقات مفصل و سودمند کتاب (به‌رغم پاره‌ای نارسایی‌ها) بسیار ریز و کم‌رنگ، و برای جوان‌تر از امثال نگارنده نیز مشکل‌خوان است. امید که به فضل الهی تا زمان دومین ویرایش این جدیدترین چاپ دیوان ازرقی، کاغذ چندان ارزان شود که ناشر مجبور نباشد در مصرف آن صرفه‌جویی کند.*

- به‌جاست که در ویرایش آتی دیوان، حاصل تازه‌ترین کند و کاو مصححان درباره موضوع اشارات ازرقی در ابیات ۱۴۴۰-۱۴۴۶ بیان شود، آنجا که او از ممدوح رخصت می‌طلبد که داستان طُرفه متثوری شامل «اخبار و اشکال» را به سلک نظم بکشد زیرا:

قصه متثور خاشاکی بود تاریک و پست

گوهری گردد چو منظوم اندر آرد بر زبان

آیا این ابیات می‌تواند مرتبط با قصه کهن سندبادنامه باشد، یا میان آنها و بیت‌های ۱۱۸۱-۱۱۸۲ (ص ۱۴۱) و ۱۸۷۱-۱۸۷۲ (ص ۲۲۷) پیوندی یافت؟

- آیا پس از شصت-هفتاد سال که از پژوهش‌های سعید نفیسی و محمد قزوینی درباره زندگی و ممدوحان ازرقی می‌گذرد، مصححان به هیچ اطلاع تازه‌ای در این باب برنخورده‌اند که به پیشگفتار خود بر این دیوان بیفزایند؟

- در تعلیقات بیت ۱۷۷۶ تصریح شده که از دو وجه «غیبه» و «عیبه»، «ازرقی به احتمال قریب به یقین، صورت صحیح این واژه [یعنی "غیبه"] را به کار می‌برده‌است». مع ذلک، در پانویس ۷ (ص ۲۱۴) انتخاب «غیبه» تصحیح قیاسی خوانده شده‌است. آیا این «تصحیح قیاسی» بر اساس آن «احتمال قریب به یقین»

* حروف‌چینی و صفحه‌آرایی این دیوان بر عهده اینجانب، مسعود راستی‌پور، بوده‌است و از این روی، مسئولیت نقیصه‌ای که ناقد گرامی بدان اشاره کرده‌اند بر عهده اوست. (این یادداشت با اجازه ناقد افزوده شده‌است)

۱۶۳۲ (ص ۱۹۷)، توالی کلمات در «کسی کند آه» به‌استناد حاشیه نسخه حک اختیار شده‌است، در صورتی که نسخه آر ضبط «کند کس آه» دارد و این با وزن بیت سازگارتر است:

حک سپهر آینه‌گون از غبار تیره شود
چو روی آینه ای کاندرو کسی کند آه
آر سپهر آینه‌گون از غبار تیره شود
چو روی آینه‌ای کاندرو کند کس آه

- مصححان در پیشگفتار خود (ص بیست و یک - بیست و دو)، راجع به اینکه «تعلیق» چیست و باید حاوی چه باشد و چه نباشد، نظرهایی داده‌اند که قابل تأمل است. لُب کلام آنان این است که مخاطب بخش تعلیقات ایشان متخصصانند و لذا خواننده نباید مثلاً توقع واژه‌نامه‌ای بالا بلند (= لغت - معنی) و توضیح و اوضاحت را داشته باشد. پس، یافتن معانی کلمات دشواری را که «در فرهنگ‌های در دسترس آمده باشد» به عهده خود خوانندگان گذاشته‌اند. با این حساب، شاید همه انتظارات خوانندگان «نامتخصص» از ویرایش جدید دیوان ازرقی برنیاید.

همچنانکه پیشتر گفته شد، این ویرایش برای مخاطبان غیرمتخصص نیست، زیرا مهم‌ترین هدف مصححان حل مشکلات متنی و نسخه‌شناختی دیوان پُرمسأله ازرقی بوده‌است. وقتی ویرایشی مطمئن (یا نسبتاً مطمئن) متحقق شود، کارهای دیگری که باید روی آن بشود، یقیناً آسان‌تر و قابل اعتمادتر خواهد بود. مصححان کمال‌طلب بسیاری از نتیجه‌گیری‌ها و یافته‌های خود را نهایی و ابطال‌ناپذیر نمی‌دانند. حضور قید «ظاهراً» قبل از بسیاری از اظهار نظرهای آنها حاکی از آن است که هنوز به نتایج صد در صد قاطعی نرسیده‌اند، شاید هم در مورد پاره‌ای از ابهامات هیچ‌گاه، نه آنها بلکه پژوهشگران دیگر نیز به حد قاطعیت نرسند. و این خاصیت بسیاری از متون کلاسیک فارسی است که از زمان تولید تا سال‌های سال به آفت اجتهادات، دخالت‌ها، و دستکاری‌های کاتبان

گوناگون، کژسلیقگی‌ها (و حتی خوش سلیقگی‌های) آنان و نیز ناقلان آن آثار به جنگ‌ها، تذکره‌ها و فرهنگ‌های لغت، بی‌احتیاطی در نگهداری، صحافی‌های ناشیانه، آب‌دیدگی‌ها و... مبتلا شده‌اند.



Table of Contents

Editorial

Cultural diplomacy and the written heritage	3-5
---	-----

Articles

Nizām-i Ta'rifā / Ali Ashraf SADEGHI.....	6-7
An introduction of three old sources of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	8-13
<i>Sipīd-Muhra</i> and <i>Shankha</i> / Ali SAFARI AQ-QALEH	14-17
A few points and some words considering <i>Mawāhib-i Ilāhī</i> of Mu'tin ul-Dīn-i Yazdī / Ahmad BEHNAMI	18-21
Some remarks on several of Manūchihri-yi Dāmghānī's patrons / Raziye ABADIYAN.....	22-27
Editing a couplet of Tayyān-i Marghzi / Mohsen AHMADVANDI.....	28-30
Dust in my Mouth (I should not speak in such a manner): on the origin of an idiom / Wilhelm BACHER; Translated by Sepas RIVANDI	31-33

Reviews and Critiques

A look into <i>Persian Literary Influence on English Literature</i> / Majdoddin KEYVANI	34-49
A review of <i>Dīvān of Azraqī-ye Heravī</i> / Majdoddin KEYVANI	50-54
Some remarks on <i>A Fragment of an Old Exegesis in Persian</i> / Masoud QASEMI	55-64
Some remarks on <i>An Interpretation of the Holy Qur'ān</i> / Masoud QASEMI	65-71
Shaykh Mahmūd-i Pīr-Budāqī's narration of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	72-75
<i>Pronunciation in Classical Persian Poetry</i> : an exemplar for what should and should not be done in research / Ali SHAPOURAN	76-104
An apocryphal story about Quran manuscripts in Afghanistan: a review of <i>The Story of Invisible Qurans of Afghanistan</i> , and "A Beginning of Cataloguing Manuscripts in Afghanistan" / Masoume NAZARI	105-108
A look into the edition of <i>Khulāṣat al-'Ash'ār va Zubdat al-'Afkār (Yazd, Kerman and its suburbs)</i> / Mortaza MOUSAVI	109-125
An introduction and a review of <i>Nāṣir Khusraw</i> / Hassan HEYDARZADEH SARDORUD	126-136
A review of the Persian translation of <i>Shakuntala</i> / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	137-141
A bird's-eye view of <i>Le Quran des Historians</i> / Zeynab Sadat ABTAHI	142-146
A critical look into "A Newly-Found Inscription at the tomb of Darius-the-great in Naqsh-e Rostam (DNf)" / Soheil DELSHAD	147-159

Essays on Research

What does an etymologist do? (6-10) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI.....	160-166
--	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (20)

Works of Na'imā Muṣṭafā Efendī / Nasrollah SALEHI	167-170
---	---------



Gozarash-e Miras

**Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology**

**Third Series, vol. 4, no. 1 - 2, Spring - Summer 2019
[Pub. Winter 2021]**

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

Assistant Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozarash@mirasmaktoob.ir